

نقش و جایگاه مطالعات میان رشته‌ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور*

علی اصغر قاسمی^۱، راضیه امامی میبدی^۲
دریافت: ۱۳۹۴/۷/۱۸؛ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۹

چکیده

یکی از ابزارهایی که می‌تواند در رشد و توسعه تمامی علوم، به ویژه علوم انسانی نقش داشته باشد، توسعه مطالعات میان رشته‌ای است. در این مقاله تلاش شده است از طریق مصاحبه نیمه ساختمند با جمعی از صاحب نظران و اندیشمندان کشور و تحلیل محتوای آرای ایشان به این پرسش پاسخ داده شود که از نظر خبرگان، مهم ترین عوامل و موانع رشد علوم انسانی در ایران چیست و توسعه مطالعات میان رشته‌ای در رشد علوم انسانی چه نقش و جایگاهی دارد؟ نتایج به دست آمده نشان می‌دهد از نظر خبرگان، مقوله «توسعه میان رشته‌ای‌ها» با اختصاص جایگاه دوازدهم در میان عوامل شانزده گانه رشد و توسعه علوم انسانی فی نفسه نقش چندان مؤثری در رشد و توسعه این علوم در ایران ندارد و کارآمدی این ابزار، مستلزم تأمین شرایط مهم تری همچون تأمین فضای باز فکری در دانشگاه‌ها و استقلال جامعه علمی است. همچنین توسعه مطالعات میان رشته‌ای در صورتی که به افزایش هم افزایی علمی صاحب نظران رشته‌های مرتبط در حوزه علوم انسانی و نیز ارتقای توانمندی علمی استادان، دانشجویان و پژوهشگران و کاربردی تر شدن علوم انسانی در کشور منجر شود، می‌تواند در رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی مؤثر واقع گردد.

کلیدواژه: ایران، علوم انسانی، مطالعات میان رشته‌ای، خبرگان.

* این مقاله مستخرج طرح پژوهشی «طراحی الگوی مطلوب سیاست‌گذاری و برنامه ریزی در حوزه علوم انسانی کشور» است که به کارفرمایی دبیرخانه ممیزی توسعه علوم انسانی معاونت علم و فناوری ریاست جمهوری در پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی انجام شده و در سال ۱۳۹۲ خاتمه یافته است. آقای دکتر محمد امین قانع‌راد ناظر علمی این طرح پژوهشی بوده‌اند که به این وسیله از زحمات ایشان قدر دانی می‌شود.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول). ghasemi_aliashgar@yahoo.com
۲. دانش‌آموخته دکتری رشته سیاست‌گذاری عمومی در دانشگاه تهران. emamirazie@alumni.ut.ac.ir

مقدمه

علوم انسانی در ایران، به دلایل مختلف دارای اهمیت زیادی است. دل مشغولی‌های اساسی مردم و دولت در تاریخ معاصر ایران به مسئله «توسعه و پیشرفت» و وجود رابطه تنگاتنگ بین توسعه و علوم انسانی، یکی از مهم‌ترین این دلایل است. براساس نظر بسیاری از صاحب‌نظران توسعه، تولید علم یکی از شالوده‌های اساسی توسعه و پیشرفت جوامع است و در میان تمام علوم، علوم انسانی رابطه وثیق‌تری با مفهوم توسعه و پیشرفت دارد؛ زیرا مبانی فکری و چارچوب‌های نظری توسعه‌یافتگی بر آن استوار می‌شود.

توجه به تولید علم به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای اصلی توسعه و پیشرفت کشور، در دو دهه اخیر اهمیت بیشتری نزد خبرگان یافته است؛ به‌نحوی که در اسناد بالادستی کشور به‌ویژه برنامه‌های توسعه، به افزایش تولید علم و ارتقای جایگاه علمی کشور در رتبه‌بندی‌های جهان توجه زیادی شده است. علاوه بر این، برای اطمینان از روند صحیح و صعودی تولید علم، نقشه جامع علمی کشور تدوین و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است. همه این شواهد و قراین نشان می‌دهد تولید علم به‌عنوان شالوده توسعه و پیشرفت و ضامن تأمین امنیت و اقتدار ملی در سیاست‌های کشور اولویت پیدا کرده است. با وجود این نگرش و به‌رغم موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی در ارتقای شاخص‌های علمی کشور در دو دهه گذشته، گزارش‌های موجود نشان می‌دهد، وضعیت تولید علم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی چندان رضایت‌بخش نیست. به‌عنوان مثال براساس نتایج پژوهشی که در هسته «علم‌سنجی» مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور انجام شده است، در سال ۱۳۸۲ سهم ایران در تولید جهانی علم در حوزه علوم انسانی بسیار اندک بوده است؛ به‌گونه‌ای که کشورهایی نظیر عربستان، کره جنوبی، چین، ترکیه، مصر و تایوان که در فاصله سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ از نظر تعداد مقاله‌ها در رتبه‌های پایین‌تری نسبت به ایران قرار داشتند، در این سال‌ها همگی به‌نحو چشمگیری از ایران پیشی گرفته‌اند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۲/۴/۲۲). همچنین نتایج بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس نشان می‌دهد، علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور در دوره پس از انقلاب نسبت به پیش از آن دچار پسرفت شده است، به‌نحوی که از نظر تولید علم در رشته‌های علوم انسانی، ایران در میان کشورهای منطقه خاورمیانه در رتبه‌های آخر قرار گرفته است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۲۲).

این وضعیت حتی باعث موضع‌گیری انتقادی دست‌اندرکاران و مدیران نظام، که قاعدتاً



می‌بایست از وضعیت موجود و کارنامه خود دفاع کنند، نیز شده است. به‌عنوان مثال رهبری نظام که همواره از پیشرفت‌های علمی کشور حمایت کرده و آن را مایه مباهات نظام جمهوری اسلامی می‌دانند، در دیدار با اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی در بهمن ماه ۱۳۸۵ وضعیت و جایگاه علوم انسانی در کشور را نامناسب دانسته و بارها خواستار تحول در این زمینه شده‌اند:

«علوم انسانی حقیقتاً در کشور ما غریب و منزوی است... ما باید هم در حوزه فرهنگ عمومی مردم و برداشت و اعتقاد و باور عمومی مردم، هم در مورد خاص، باور مسئولان، اهمیت علوم انسانی را روشن کنیم. مردم باید بفهمند علوم انسانی مهم است، تاریخ مهم است، ادبیات مهم است، فلسفه مهم است، روان‌شناسی مهم است. علوم کاربردی روزانه مثل مهندسی، فنی و غیره، مثل پولی است که انسان در جیبش می‌گذارد و خرج می‌کند. درحالی‌که علوم پایه و علوم انسانی مثل ذخیره‌ای است که در بانک می‌گذارد، مانند پشتوانه‌ای است که انسان برای ثروتش دارد و تولیدکننده است. علوم انسانی برای جامعه جهت‌دهنده و فکرساز است، حرکت یک جامعه، مسیر یک جامعه، مقصد یک جامعه را مشخص می‌کند» (به نقل از ماهنامه پژوهشگران، ۱۳۸۵: ۳).

هرچند شاخص‌هایی که برای سنجش تولید علوم در کشور به‌ویژه در حوزه علوم انسانی به‌کار گرفته می‌شود مورد انتقاد جدی بسیاری از اندیشمندان علوم انسانی است و ایشان این شاخص‌ها را به این دلیل که از علوم دقیقه وارد علوم انسانی شده‌اند و با ذات این علوم سازگار نیستند، رد می‌کنند؛ با این وجود، بر این باور مهر تأیید می‌زنند که وضعیت علوم انسانی در کشور مناسب نیست و باید چاره‌ای اندیشیده شود (ن.ک: ذاکر صالحی، ۱۳۸۹). به‌عبارت دیگر، بسیاری از صاحب‌نظران کشور هر یک از زاویه خاص و عموماً دارای تفاوت‌ها و گاهی تعارضات فکری جدی در «ارزیابی نامناسب از وضعیت علوم انسانی در کشور» اشتراک نظر دارند.

یکی از راهکارهایی که در یک دهه اخیر برای شتاب بخشیدن به روند توسعه علمی کشور و نیز توسعه علوم انسانی در سیاست‌های علمی کشور مورد توجه قرار گرفته است، توسعه میان‌رشته‌ای‌ها است. به‌عنوان مثال در نقشه جامع علمی کشور که به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده، «متحول‌سازی و ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی» به‌عنوان یکی از راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری در کشور مورد توجه قرار گرفته و در ذیل این راهبرد کلان «گسترش





گرایش‌های میان‌رشته‌ای در درون علوم انسانی و بین‌رشته‌های علوم انسانی با سایر علوم» به عنوان یکی از راهبردهای ملی و «ایجاد گرایش‌های میان‌رشته‌ای بین شاخه‌های مختلف علوم اسلامی، علوم انسانی و سایر علوم» به عنوان یکی از اقدامات ملی برای تحقق این راهبرد کلان مورد توجه قرار گرفته است (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۹۰: ۵۵).

توسعه میان‌رشته‌ای‌ها، باعث تعامل میان دو یا چند رشته مختلف و زمینه‌سازی برای رشد و توسعه علوم و افزایش توانمندی علم برای حل مشکلات پیچیده و چندوجهی می‌شود. این تعامل می‌تواند از تبادل ساده نظرات تا همگرایی متقابل مفاهیم، روش‌شناسی، رویه‌ها، معرفت‌شناسی، اصطلاح‌شناسی، داده‌ها و سازمان‌دهی تحقیق و آموزش در عرصه‌ای گسترده را دربرگیرد (لاتوکا^۱ ۱۳۸۷: ۱۶۵). فعالیت میان‌رشته‌ای این امکان را برای دانش‌پژوهان رشته‌های علمی مختلف فراهم می‌آورد که شناخت بهتری از فعالیت‌های علمی یکدیگر به دست آورند. آنها هرکدام از موضوع و فرضیات خاص خود که از مشروعیت لازم در چارچوب آن رشته برخوردار است، با موضوع برخورد می‌کنند و بحث و تبادل نظر میان آنها و به چالش کشیدن فرضیات هرکدام، آنها را به سوی درکی جدید از موضوع هدایت می‌کند (رولاند^۲، ۱۳۸۷: ۱۶-۴). این قابلیت مطالعات میان‌رشته‌ای روند طبیعی تکامل علم را منعکس می‌کند، زیرا افراط در تخصصی شدن پژوهشگر و از دست دادن ارتباط و همبستگی‌های میان موضوع مطالعه یک رشته با موضوعات سایر رشته‌ها و جهان پیرامونی، رشته‌های دانشگاهی را از کارکرد اصلی شان خارج می‌کند (مورن^۳، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲). به این ترتیب، میان‌رشته‌گی داعیه جامع‌نگری و حل مسائلی را دارد که شاخه‌های مختلف علمی به تنهایی قادر به حل آنها نیستند.

با وجود اینکه در دهه گذشته توجه به وضعیت علوم انسانی در کشور و آسیب‌شناسی آن بیش از پیش به دغدغه اصحاب آن رشته تبدیل شده است و بسیاری از صاحب‌نظران کشور در قالب تألیف کتاب و مقاله (رفیع‌پور، ۱۳۸۱؛ پایا، ۱۳۸۳؛ قانع‌راد، ۱۳۸۴؛ فاضلی، ۱۳۸۶؛ داوری، ۱۳۸۹؛ فراستخواه، ۱۳۸۹)، اجرای طرح‌های پژوهشی و برگزاری همایش‌های علمی (مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، ۱۳۸۷؛ همایش تحول در علوم انسانی، ۱۳۹۰) به این موضوع پرداخته و ادبیات مناسبی در این مورد تولید کرده‌اند، بررسی‌ها نشان می‌دهد، کتاب‌ها و مقالات اندکی به نقش میان‌رشته‌ای‌ها در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور پرداخته‌اند. بر

1. Lisa R. Lattuca
2. Rowland S.
3. Moren Edgar

همین اساس در این مقاله تلاش شده است از طریق مصاحبه نیمه ساختمند با جمعی از مؤلفان این آثار و نیز برخی از اندیشمندان کشور و تحلیل محتوای آراء آنها به این پرسش پاسخ داده شود که از نظر خبرگان، مهم‌ترین عوامل و موانع رشد علوم انسانی در ایران چیست و «توسعه میان‌رشته‌ای‌ها» چه نقش و جایگاهی در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور می‌تواند ایفا کند؟

۱. مبانی نظری و مفهومی: تعاریف و اهداف مطالعات میان‌رشته‌ای

مطالعه میان‌رشته‌ای را «فرآیند پاسخ‌گویی به یک پرسش، حل مسئله یا بررسی موضوعی آنچنان گسترده و پیچیده که نمی‌تواند به وسیله یک رشته یا یک حرفه حل شود» تعریف کرده‌اند (کلاین^۱، ۲۰۲: ۱۳۸۷). رونالد، محور عمده میان‌رشته‌ای را «تأکید بر اهمیت گرد هم آوردن دانش و مهارت‌های گوناگون برای حل یک مشکل» می‌داند. وی پژوهش میان‌رشته‌ای را زمینه‌ساز مناظره‌ای می‌داند که «با به چالش کشیدن هویت‌ها و ایده‌های پذیرفته‌شده پیشین، درکی جدید و انتقادی» به دست می‌دهد.

مطالعات میان‌رشته‌ای صرفاً به معنای احاطه بر چند رشته یا انجام مشترک کار توسط افرادی با تخصص‌های مختلف نیست؛ بلکه در آن از آموزه‌های رشته‌های مختلف برای بسط مدل‌های مفهومی، توضیح و مفهومی کردن نتایج، به‌کارگیری روش‌های یکدیگر و ایده گرفتن از دانش زمینه‌ای رشته‌های مختلف استفاده می‌شود (لینچ^۲، ۲۰۰۶: ۱۱۲۲-۱۱۱۹). این ویژگی را ریکا^۳ در چارچوب «نظریه گفتگویی پیوندهای میان‌رشته‌ای» بیان کرده است. وی میان‌رشته‌ای را پیوندی می‌داند که توسط افرادی شکل می‌گیرد که تشابهات و تفاوت‌های موجود در محتواها، گزاره‌ها، ژانرها و راه‌های مختلف دانستن را تشخیص می‌دهند. منظور از محتوا، عناوین موضوعی است که در یک رشته بررسی می‌شوند. گزاره‌ها، دلایلی هستند که دانش پژوهان رشته‌های مختلف در جریان مباحثه با یکدیگر مطرح می‌کنند. ژانرها، الگوهای تعاملی هستند که به تدریج شکل گرفته و به دانش پژوهان رشته‌های مختلف در پیش‌بینی و درک ساختارهای تعاملی کمک می‌کنند. راه‌های دانستن، فعالیت‌های عقلانی هستند که دانش پژوهان رشته‌های مختلف برای تنظیم و دفاع از گزاره‌هایشان از آن استفاده می‌کنند. این منابع چهارگانه پیوند میان‌رشته‌ای، توانایی تشخیص و دسته‌بندی مناسب نقاط هم‌پوشانی، اشتراک‌ها و افتراق‌ها را توسعه می‌دهند

1. Klein Jullie Tampson
2. Lynch
3. Rebecca S.



(ریکا، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۴۳). ازاین رو است که میان‌رشته‌گی با پرورش تفکر انتقادی، نوآوری و خلاقیت به حل مسئله کمک می‌کند.

مطالعات میان‌رشته‌ای در پی پیچیده شدن فزاینده مسائل اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، ایجاد رشته‌های جدید به خودی خود معنایی ندارد، بلکه با هدف حل مسائل پیچیده و چندبعدی صورت می‌گیرد (خورسندی، ۱۳۸۸: ۵۸). اینک نیاز به افرادی است که توانایی تفکر انتقادی و تحلیلی، مهارت در نگارش و بیان، قدرت قضاوت آگاهانه و دقیق و انجام کار گروهی، توانایی‌های معطوف به اجرای مؤثر و طبق برنامه پروژه‌ها، تفاوت فکر کردن، به‌کار گرفتن خلاقیت و شهامت در محیط کار، برخورداری از آگاهی و دانش لازم نسبت به فناوری‌های جدید، داشتن تجربه کاربردی و درک نظری از فناوری‌های دگرگون‌کننده کار و فرهنگ را داشته باشند (هوارد^۱، ۱۳۸۷: ۵۳۹). مطالعات میان‌رشته‌ای، پرورش این ویژگی‌ها را هدف گرفته‌اند. آنها موجب یادگیری رشته‌ها از یکدیگر، افزایش قابلیت تحلیلی، تفکر متدولوژیک، نقد مفروضات و نگرشی عمیق تربه مشکلات و مسائل جهان پیرامون می‌شود. این کارکردها تقریباً مورد اجماع پژوهشگران است. به‌عنوان نمونه، پژوهشی که در سال ۲۰۱۲ انجام شده است نشان می‌دهد:

۱. مطالعات میان‌رشته‌ای به افزایش درک، حفظ و کاربرد مفاهیم عمومی کمک می‌کند؛ ۲. همراه با توسعه چشم‌اندازها، دیدگاه‌ها و ارزش‌های چندگانه، درک کلی بهتری از وابستگی‌های متقابل جهانی به دست می‌دهد؛ ۳. توانایی تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی و خلاقیت را افزایش می‌دهد و دانش ورای رشته‌ها را با هم ترکیب می‌کند؛ ۴. توانایی شناخت، ارزیابی و انتقال اطلاعات مهم موردنیاز برای حل مسائل جدید را تقویت می‌کند؛ ۵. یادگیری مبتنی بر همکاری و تلقی بهتر از خود به‌عنوان عضوی با ارزش از اجتماع را ترویج می‌دهد؛ ۶. انگیزه‌ها را تقویت می‌کند (تنیسون^۲، ۲۰۱۲: ۱۵۹).

بنابراین، مطالعات میان‌رشته‌ای اینک به‌عنوان ابزاری برای بهتر اندیشیدن و بهتر تصمیم گرفتن برای حل مشکلات چه در مقیاس فردی و چه در مقیاس اجتماعی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند و با توجه به اهداف مورد نظر در توسعه این مطالعات انتظار می‌رود برای رشد و توسعه و بالندگی علوم انسانی و اجتماعی و کمک به حل مشکلات مبتلابه جامعه بیش از پیش مورد توجه سیاست‌گذاران علمی، دولتمردان و نیز اصحاب این علوم قرار گیرند.

1. Howard Alen
 2. Tenyson Alfred

۲. روش پژوهش

در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختمند برای جمع‌آوری داده‌ها و از تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها استفاده شده است.

الف. مصاحبه نیمه ساختمند: مصاحبه نیمه ساختمند بر پایه تعدادی پرسش که از پیش طرح شده یا دست‌کم موضوعاتی که مصاحبه‌کننده باید درباره آنها سوال کند، انجام می‌شود. تمام این پرسش‌ها به نوعی برای هریک از مصاحبه‌شوندگان به شکلی نظام‌مند مطرح می‌شود، اما مصاحبه‌گران می‌توانند فراتر از پرسش‌هایی که در اختیار دارند، بروند (سیدامامی، ۱۳۸۶: ۲۸۹). در این پژوهش با در نظر گرفتن معیارهای زیر، ۱۷ صاحب‌نظر برای مصاحبه انتخاب شدند:

۱. داشتن دست‌کم یک اثر علمی معتبر در مورد تجزیه و تحلیل وضعیت علوم انسانی در کشور؛
۲. تنوع مصاحبه‌شوندگان از حیث داشتن تخصص در رشته‌های مختلف علوم انسانی؛
۳. تنوع مصاحبه‌شوندگان از نظر برخورداری از تحصیلات دانشگاهی و حوزوی؛
۴. برخورداری مصاحبه‌شوندگان از سطح دانش و تجربه علمی مناسب؛
۵. مقبولیت و خبرگی مصاحبه‌شونده در میان اصحاب آن رشته؛
۶. تنوع فکری و دانشگاهی (جریان‌های فکری مختلف و دانشگاه‌های متنوع اعم از دولتی و آزاد)؛
۷. برخورداری از تجربه عملی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی علوم انسانی در کشور.

این مصاحبه‌ها در طول تابستان و پاییز ۱۳۹۱ انجام شد. سپس مضامین مندرج در متن مصاحبه‌ها، مقوله‌بندی و به صورت جدول‌های توزیع فراوانی بیان شد. سپس یافته‌های آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ب. تحلیل محتوای کیفی: تحلیل محتوا روشی است که برای رده‌بندی پاسخ‌های یک پرسش باز در پرسش‌نامه به کار می‌رود (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۲۷۹). تحلیل محتوا ابزاری است که کاربرد آن علاوه بر ایجاد شناخت و معرفت نسبت به یک موضوع، امکان تحلیل علی آن را فراهم می‌سازد، یعنی نه تنها به ارائه تصویر واقعیت در سطح می‌پردازد، بلکه در اعماق فرو می‌رود و علل و عوامل یک پدیده را مشخص می‌کند (ساروخانی، ۱۳۹۲: ۲۸۱).

تحلیل محتوا به دو روش کمی و کیفی انجام می‌شود. تحلیل محتوای کمی شیوه‌ای سیستماتیک برای نسبت دادن اعداد به واحدهای متن است. مشکل عمده تحلیل محتوای کمی این است که نمی‌توان متن را در بافت و زمینه‌ای که در آن معنا می‌دهد، مورد مطالعه قرار





داد. تحلیل محتوای کیفی می‌کوشد ضمن حفظ تحلیل محتوای کمی، به بافت وزینه هم توجه کند و از آن نیز اطلاعاتی به دست آورد. تحلیل محتوای کمی به روش قیاسی انجام می‌شود. در این روش ابتدا براساس نظریه و مفاهیم اصلی آن، مقوله‌هایی برای تجزیه متن ساخته شده و سپس متن براساس این مقوله‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. مقوله‌ها در تحلیل محتوای کمی باید جامع، مانع و متناسب باشند، اما در تحلیل محتوای کیفی از هر دو روش استقرایی و قیاسی در ساختن مقوله‌ها استفاده می‌شود. گام نخست در تحلیل محتوای کیفی، ساختن مقوله‌ها به روش استقرایی است. پس از آنکه حداقلی از مقوله‌ها شکل گرفت، این مقوله‌ها می‌توانند به صورت قیاسی برای تحلیل بقیه متن مورد استفاده قرار گیرند. در واقع یک جریان رفت و برگشت بین مقوله‌های استقرایی و قیاسی وجود دارد. در روش تحلیل محتوای کیفی، مقوله‌ها از بررسی عمیق متن و یافتن شباهت‌های بین محتواها و کنار هم قرار دادن آنها و انتخاب نام واحدی برای آنها به دست می‌آیند (کوثری، ۱۳۹۳: ۱۹۷).

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و از هر دو روش استقرایی و قیاسی برای ساختن مقوله‌ها استفاده شده است. ابتدا با مراجعه به متن مصاحبه‌ها، مقوله‌ها به روش استقرایی استخراج شده و به روش قیاسی برای تحلیل بقیه متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

۳. یافته‌های پژوهش

پاسخ‌های خبرگان به مصاحبه در پیوست مقاله ذکر شده است. این پاسخ‌ها به روش تحلیل محتوا مقوله‌بندی و از یکدیگر تفکیک شدند تا در مرحله بعد فراوانی هر یک از این مقوله‌ها مشخص و نتایج استخراج شود.

۳-۱. فراوانی مقوله‌ها

جدول‌های شماره ۱ و ۲ فراوانی هر یک از مقوله‌ها در میان موانع و عوامل توسعه علوم انسانی و اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مقوله‌بندی موانع توسعه علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه خبرگان

ردیف	مقوله‌ها	فراوانی
۱	ضعف کاربرد علم	۱۸
۲	سیاست‌زدگی و عدم تأمین استقلال جامعه علمی	۱۶
۳	ضعف کیفی / علمی	۱۴
۴	نواقص دیوانی و تصمیم‌گیری	۱۳
۵	موانع فرهنگی	۱۲
۶	ماهیت علوم انسانی	۱۰
۷	بی‌توجهی به علوم انسانی	۹
۸	مشکلات کلان و ساختاری	۸
۹	نواقص درون دانشگاهی	۵
۱۰	ضعف تعامل بین‌المللی	۴
۱۱	ضعف نشر	۲
۱۲	ضعف بودجه	۱

جدول ۲. مقوله‌بندی عوامل توسعه علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه خبرگان

ردیف	مقوله‌ها	فراوانی
۱	تأمین فضای باز فکری و دانشگاهی	۲۱
۲	تقویت توانمندی علمی	۱۷
۳	کاربرد علوم انسانی	۱۵
۴	توجه به جایگاه علوم انسانی و تقویت انگیزه جامعه علمی	۱۴
۵	اصلاح سیاست‌های دولتی	۱۲
۶	تقویت شبکه‌ها و انجمن‌های علمی	۸
۷	فرهنگ اسلامی	۶
۸	ملاحظات فکری	۵
۹	همکاری‌های بین‌المللی	۴
۱۰	ارتقای فرهنگی	۳
۱۱	تقویت امکانات	۳
۱۲	توسعه میان‌رشته‌ای	۲
۱۳	همکاری حوزه و دانشگاه	۱
۱۴	تقویت نشر	۱
۱۵	تأمین بودجه	۱
۱۶	اصلاحات حوزوی	۱



فصلنامه علمی - پژوهشی

۹

نقش و جایگاه مطالعات
میان‌رشته‌ای در رشد و ...

۲-۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

فراوانی مقوله‌هایی که در تبیین عوامل رشد و توسعه علوم انسانی در کشور مورد اشاره خبرگان قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد در بین ۱۶ مقوله مورد اشاره خبرگان، پنج مقوله «تأمین فضای باز فکری در دانشگاه‌ها»، «تقویت توانمندی علمی»، «کاربرد علوم انسانی»، «توجه به جایگاه علوم انسانی و تقویت انگیزه جامعه علمی» و «اصلاح سیاست‌های دولتی» به ترتیب بیشترین فراوانی و پنج مقوله «توسعه میان‌رشته‌ای»، «همکاری حوزه و دانشگاه»، «تقویت نشر»، «تأمین بودجه» و «اصلاحات حوزوی» به ترتیب کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

در جدول موانع توسعه علوم انسانی و اجتماعی، دو مقوله «ضعف کاربرد علم» و «سیاست‌زدگی و عدم تأمین استقلال جامعه علمی»، بیشترین فراوانی و دو مقوله «تأمین بودجه» و «اصلاحات حوزوی» کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

نگاهی مقایسه‌ای به جدول‌های موانع و عوامل توسعه علوم انسانی در کشور ما را به نکته جالبی رهنمون می‌سازد و آن اینکه تقریباً همه مقوله‌هایی که از نظر خبرگان، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، در جدول موانع و عوامل، مشابه یکدیگر هستند. به عنوان مثال، در جدول موانع توسعه علوم انسانی و اجتماعی «ضعف کاربرد علم» با ۲۸ فراوانی بیش از سایر مقوله‌ها مورد توجه و تأکید خبرگان بوده که این موضوع ترجمان «کاربرد بودن علوم انسانی» در جدول عوامل توسعه علوم انسانی است که با ۱۵ فراوانی در رده سوم عوامل قرار گرفته است یا مقوله «سیاست‌زدگی و عدم تأمین استقلال جامعه علمی» در جدول موانع، ترجمان «تأمین فضای باز فکری و دانشگاهی» در جدول عوامل است. با توجه به اینکه مصاحبه‌های این پژوهش طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۰ انجام شده است، می‌توان به این نکته پی برد که به دلیل فضای سیاسی حاکم بر کشور از سال ۱۳۸۸ به بعد و به ویژه حاکمیت فضای امنیتی بر دانشگاه‌های کشور که منجر به اخراج یا بازنشسته شدن تعدادی از اساتید دانشگاهی و محروم شدن تعدادی از دانشجویان از ادامه تحصیل شد، این مقوله مورد توجه جدی خبرگان قرار گرفته است. موارد فوق ناظر بر این نکته مهم است که در آسیب‌شناسی وضعیت علوم انسانی و اجتماعی و ارائه راهکار برای بهبود این وضعیت می‌بایست به این نکته توجه داشت که موانع و عوامل رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی در کشور از یک سنخ‌اند و توجه به این نکته راه را برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی هموارتر می‌کند.

قرار گرفتن مقوله «توسعه میان‌رشته‌ای‌ها» در رده‌های پایینی جدول نشان می‌دهد این عامل



فی نفسه نقش چندانی در رشد و توسعه علوم انسانی ندارد؛ بنابراین در سیاست‌گذاری‌های علمی کشور باید این موضوع را در ارتباط و پیوند با مقوله‌های اساسی‌تری همچون تأمین فضای باز فکری و علمی در دانشگاه‌ها، تقویت توانمندی استادان و دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی، استقلال جامعه علمی و پرهیز از دامن زدن به بازی‌های سیاسی در دانشگاه‌ها و شاید مهم‌تر از همه، کاربردی شدن علوم انسانی مورد توجه قرار داد.

از نظر خبرگان برای تولید و توسعه علوم انسانی و اجتماعی در کشور در درجه نخست باید محیط مناسبی برای رشد و پرورش ایده‌های نو و خلاق فراهم کرد. توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند تفکر انتقادی و خلاقیت را در میان اصحاب علوم انسانی گسترش دهد، اما تحقق این امر مستلزم اعتماد به دانشگاهیان و اصحاب علوم انسانی، تأمین استقلال نسبی دانشگاه‌ها و پرهیز از برخوردهای امنیتی با صاحبان اندیشه‌های نو است.

پس از تأمین فضای مبتنی بر استقلال و اعتماد، باید گام دوم برداشته شود و آن عبارت است از تقویت توانمندی‌های علمی اساتید و دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی کشور. توسعه میان‌رشته‌ای‌ها باعث یادگیری رشته‌ها از یکدیگر، افزایش قابلیت تحلیلی، تفکر متدولوژیک، نقد مفروضات و نگرشی عمیق‌تر به مشکلات و مسائل جهان پیرامون می‌شود. مطالعات میان‌رشته‌ای این امکان را برای دانش پژوهان رشته‌های علمی مختلف فراهم می‌کند که شناخت بهتری از فعالیت‌های علمی یکدیگر به دست آورند. آنها هر کدام از موضع و فرضیات خاص خود که از مشروعیت لازم در چارچوب آن رشته برخوردار است با موضوع برخورد می‌کنند و بحث و تبادل نظر میان آنها و به چالش کشیدن فرضیات هر کدام، آنها را به سوی درکی جدید از موضوع هدایت می‌کند. اگر توسعه میان‌رشته‌ای‌ها در عمل بتواند این مهم را محقق کند، می‌تواند نقش مثبت و مؤثری در رشد علوم انسانی در کشور ایفا کند.

پس از تقویت توانمندی‌های علمی باید برای ایجاد پیوند بین نیازهای جامعه و تولیدات علمی در قالبی هوشمندانه تلاش شود. همان‌گونه که در بخش مبانی نظری و مفهومی ذکر شد، یکی از اهداف مهم و اساسی مطالعات میان‌رشته‌ای، تجزیه و تحلیل و ارائه راهکار برای حل مسائلی است که یک رشته به تنهایی قادر به شناخت آن نیست. به عبارت دیگر، میان‌رشته‌ای‌ها داعیه جامع‌نگری و حل مسائل و مشکلاتی را دارند که شاخه‌های مختلف علمی قادر به حل آنها نیستند. با توجه به اینکه از نظر خبرگان، کاربردی نبودن علوم انسانی و اجتماعی مهم‌ترین مانع رشد این علوم در کشور است، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که تا زمانی که توسعه





میان رشته‌ای‌ها معطوف به نیازهای جامعه و مشکلات مردم و حکومت نشود، نمی‌توان انتظار داشت دانش علوم انسانی و اجتماعی در کشور رشد کند.

از نظر خبرگان، ماهیت علوم انسانی با علوم دقیقه متفاوت است و برای رشد و توسعه این علوم، ایجاد فضای مناسب برای آزاداندیشی و نقادی ضرورت دارد، زیرا باز و بسته بودن فضای سیاسی تأثیر بسزایی بر رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی در کشور دارد. لذا تا زمانی که میان رشته‌ای بودن، مسئولیت اجتماعی را اقتضاء می‌کند و مسئولیت اجتماعی خود پیامد آزادی و انتخاب آزاد شهروندان است (بحرانی، ۱۳۸۹: ۱-۲۰). فضای امنیتی از دانشگاه‌ها رخت برنبد و محیط مناسب و امنی برای تضارب آرا و اندیشه‌ها فراهم نشود، توسعه مطالعات میان رشته‌ای نمی‌تواند نقش چشمگیری در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور داشته باشد.

نتیجه‌گیری

تولید علم یکی از شالوده‌های اساسی توسعه و پیشرفت جوامع است و در میان تمام علوم، علوم انسانی رابطه وثیق تری با مفهوم توسعه و پیشرفت دارد؛ زیرا مبانی فکری و چارچوب‌های نظری توسعه‌یافتگی بر آن استوار می‌شود؛ به همین دلیل در دو دهه اخیر توجه به علوم انسانی در سیاست‌های علمی کشور اهمیت مضاعفی یافته است. با وجود این و به‌رغم موفقیت‌های نظام جمهوری اسلامی در ارتقای شاخص‌های علمی کشور در این سال‌ها، گزارش‌های موجود نشان می‌دهند، وضعیت تولید علم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی چندان رضایت‌بخش نیست. گرچه یکی از ابزارهایی که در رشد و توسعه تمامی علوم، به‌ویژه علوم انسانی می‌تواند نقش داشته باشد، توسعه مطالعات میان رشته‌ای است، اما نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که از نظر خبرگان، مقوله «توسعه میان رشته‌ای‌ها» به‌خودی‌خود نقش چندان مؤثری در رشد و توسعه این علوم در ایران ندارد و کارآمدی این ابزار، نیازمند تأمین شرایط مهم‌تری همچون تأمین فضای باز فکری در دانشگاه‌ها و استقلال جامعه علمی است. همچنین توسعه میان رشته‌ای‌ها در صورتی می‌تواند در رشد و توسعه علوم انسانی و اجتماعی مؤثر واقع شود که به افزایش هم‌افزایی علمی صاحب‌نظران رشته‌های مرتبط در حوزه علوم انسانی و نیز ارتقای توانمندی علمی استادان، دانشجویان و پژوهشگران و کاربردی‌تر شدن علوم انسانی در کشور منجر شود.

پی‌نوشت:

مصاحبه‌های انجام شده از: دکتر مهدی گلشنی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر رضا منصوری، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر امین قانع‌راد، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر حسینعلی قبادی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر ناصر هادیان، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر حسن دانایی‌فرد، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر غلامرضا ذاکر صالحی، تابستان ۱۳۹۱؛ دکتر مقصود فراستخواه، پاییز ۱۳۹۱؛ حجت‌الاسلام دکتر احمد احمدی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر عماد افروغ، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر محمد مهدی مجاهدی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر فرشاد مؤمنی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر محمد رضا بهشتی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر محمود مهر محمدی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر جعفر توفیقی، پاییز ۱۳۹۱؛ دکتر خسرو باقری، پاییز ۱۳۹۱.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳

نقش و جایگاه مطالعات
میان‌رشته‌ای در رشد و ...

Archive of SID

- بحرانی، مرتضی (۱۳۹۰). میان رشته‌ای به مثابه مسئولیت: نگاهی هنجاری. مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۳(۱)، ۲۰-۱.
- پایا، علی (۱۳۸۳). موانع رشد علوم انسانی در ایران. سخنرانی در: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، برگرفته از: www.yaznahad.ir
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۰). مجموعه مقالات همایش تحول در علوم انسانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خامنه‌ای، آیت‌الله سیدعلی (۱۳۸۵). سخنرانی در دیدار اعضای شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ماهنامه پژوهشگران، ۴، ۱۰، ۱۱.
- خبرگزاری ایسنا (۲۲ تیر ۱۳۸۲). سرویس علمی و فناوری - پژوهشی، گزارش علوم انسانی تنها حدود دو درصد تولیدات علمی دو دهه اخیر را به خود اختصاص داده است. تهران.
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۱(۴)، ۸۳-۵۷.
- داوری، رضا (۱۳۸۹). علوم انسانی و برنامه‌ریزی توسعه. تهران: نشر فردایی دیگر.
- ذاکرحالهی، غلامرضا (۱۳۸۹). وضعیت تولید و انتشار کتاب‌های علوم اجتماعی در ایران براساس الگوهای علم‌سنجی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۱(۳)، ۷۷-۵۶.
- ریه‌کا، اس. (۱۳۸۷). نظریه گفتگویی پیوند میان رشته‌ای (مترجم: سیدمحسن علوی پور). در: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۱). موانع رشد علمی ایران و راه‌حل‌های آن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رولاند، اس. (۱۳۸۷). میان‌رشته‌گی (مترجم: مجید کرمی). در: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (چاپ هفدهم). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیدامامی، کاوس (۱۳۸۶). پژوهش در علوم سیاسی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند نقشه جامع علمی کشور.



فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۴). کدام معیار؟ بررسی انسان‌شناختی در زمینه تولید علم و چالش‌های علوم انسانی در ایران. فصلنامه علوم اجتماعی، ۳۰، ۴۴-۱.

فراستخواه، مقصود (۱۳۸۹). دانشگاه و آموزش عالی، منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی. تهران: نشرنی. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹). دیاسپورای علمی ایرانی و نقش آن در بومی‌سازی علوم اجتماعی در ایران. دز: علم بومی، علم جهانی، امکان یا امتناع؟، تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.

قانع‌راد، محمدامین (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی رشد و افول علم در ایران. تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.

کلاین، جولی تامپسون (۱۳۸۷). میان‌رشته‌گی و ترکیب رشته‌ها (مترجم: محسن بیات). دز: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

کوثری، مسعود (۱۳۹۳). روش کیفی. دز: مجموعه مقالات رهیافت و روش در علوم سیاسی (به اهتمام عباس منوچهری). تهران: انتشارات سمت.

لاتوکا، لیسآز (۱۳۸۷). آموختن کار میان‌رشته‌ای (مترجم: سیدمحسن علوی پور). دز: چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه: سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸/۸/۲۲). گزارش بررسی وضعیت علوم انسانی ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی، برگرفته از: www.re.majlis.ir.

مورن، ادگار (۱۳۸۷). پیرامون میان‌رشته‌گی (مترجم: توحیده ملاباشی). دز: مبانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی - اجتماعی.

هوارد، آلن ب. (۱۳۸۷). مطالعات میان‌رشته‌ای و فناوری‌های جدید: مطالعه موردی (مترجم: مهناز شاه‌علیزاده). دز: چالش‌ها و چشم‌اندازهای مطالعات میان‌رشته‌ای (تدوین و ترجمه سیدمحسن علوی پور و همکاران). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Lynch, J. (2006). It's not easy being interdisciplinary. *International Journal of Epidemiology*, 35, 1119-1122.

Tennyson, A. (2012). Interdisciplinary learning and interdisciplinary curriculum. In: Jim parson and Larry beauchamp, *From knowledge to action*, Alberta Education. Alberta, Canada.



پیوست ۱. عوامل رشد علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه خبرگان

<p>آیت‌اللهی</p>	<p>ذخیره فرهنگی تاریخی ایران نسبت به سایر کشورها و پتانسیل رقابت با غرب، تفکر عقلی شیعی در ایران، آشنایی حوزویان با علوم انسانی و استادان علوم انسانی با اندیشه اسلامی، تأکید اسناد بالادستی کشور بر پیشرفت علوم انسانی</p>
<p>گلشنی</p>	<p>روشن بودن نقش علوم انسانی در ارتقاء جامعه، ورود داوطلبان برتر به حوزه‌های علوم انسانی، به‌کارگیری علوم انسانی در حل مسائل کشور، کمک گرفتن از اصحاب علوم انسانی در حوزه‌های مرتبط علمی دیگر، روشن بودن نقش علوم انسانی در فرهنگ سازی.</p>
<p>توفیقی</p>	<p>فضای آزاد فکری و اندیشه‌ای، توسعه فرهنگ، رشد تفکر انتقادی، برخورد اندیشه‌ای با نظریه‌های غربی، توسعه رشته‌ها و میان‌رشته‌های علوم انسانی در دانشگاه‌ها، همکاری بیشتر حوزه و دانشگاه، ترویج نوآندیشی در حوزه‌های علمیه، جلوگیری از برخوردهای امنیتی با تکثر و تنوع اندیشه‌ها در علوم انسانی، توسعه همکاری‌ها و همفکری‌های بین‌المللی در زمینه علوم انسانی، کندوکاو بیشتر و عمیق‌تر در ریشه‌های اسلامی علوم انسانی، احترام به همفکری و هم‌اندیشی و مشورت، استفاده از همه ظرفیت‌های فکری، استفاده از تجربه‌های جهانی، ارتقای جایگاه شغلی متخصصان علوم انسانی، هدایت استعدادها و تحصیلی برتر به سمت رشته‌های علوم انسانی دانشگاهی و حوزوی، وسعت بخشی به حوزه تفکر و اندیشه در علوم انسانی، حذف برخوردهای امنیتی و حراستی از فضای تفکر و نوآندیشی، حمایت از فضای بحث، گفتگو و آزادی بیان، تضارب افکار و عقاید، پرهیز از سیاست‌های انقباضی و تنگ‌نظری در حوزه تفکر و نوآندیشی و اتخاذ تدابیر انبساطی و وسعت نظر، کاهش مداخله دولت در امور تصدی‌گری و اکتفا به سیاست‌گذاری کلان و سیاست‌های حمایتی و تشویقی، توسعه زیرساخت‌های پژوهشی در حوزه علوم انسانی، برقراری ارتباط بیشتر بین علوم انسانی و سایر علوم، هماهنگی بین نهادهای دیگر در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی علوم انسانی، استفاده از انجمن‌های علمی در توسعه علوم انسانی، آینده‌نگری در توسعه علوم انسانی، ایجاد قطب‌های علمی در صیانت از استعدادهای درخشان علوم انسانی، ارتقای منزلت اجتماعی نخبگان علوم انسانی، حمایت‌های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نام‌آوران علوم انسانی، زمینه‌سازی برای اشتغال دانش‌آموختگان علوم انسانی، تقویت ارتباط علوم انسانی و صنعت، هدایت تحصیلی استعدادهای درخشان به سمت رشته‌های علوم انسانی، تقویت روح بررسی، تحقیق و ابتکار در علوم انسانی، حمایت مادی و معنوی از پژوهشگران و نظریه‌پردازان علوم انسانی، شکل‌گیری کانون‌های تفکر و اندیشه، به‌کارگیری دستاوردهای علوم انسانی در سطح سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، توسعه کمی و کیفی دوره‌های تحصیلات تکمیلی در علوم انسانی، تربیت اعضای هیئت علمی با کیفیت بالا در حوزه علوم انسانی، افزایش بودجه‌های تحقیق و توسعه در حوزه علوم انسانی، افزایش کمی و کیفیت انجمن‌های علمی علوم انسانی، افزایش انتشار مجله‌های علمی و کتاب، افزایش سهم تولیدات علوم انسانی در تولیدات علمی جهان، ترویج نظریه‌پردازی و کرسی‌های نقد و آزاداندیشی در علوم انسانی، تقویت انجمن‌های علمی دانشجویی در زمینه علوم انسانی، حمایت از توسعه مبادله و همکاری‌های بین‌المللی در علوم انسانی، حمایت از تجاری‌سازی دستاوردهای علوم انسانی، حمایت از کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی، تحول رشته‌های علوم انسانی در تعامل فعال با نیازهای بازار کار، تقویت اجتماعات علمی در علوم انسانی، توسعه تعامل در شبکه‌های علمی مبتنی بر هم‌افزایی، تقویت تفکر انتقادی و توان نظریه‌پردازی دانشجویان، ارتقای جایگاه علوم انسانی در نظام فرهنگی و ارزشی جامعه، تأمین استقلال نهادها و افراد تولیدکننده علوم انسانی.</p>
<p>احمدی</p>	<p>اجتهاد نظری و عملی جامع و هماهنگ در مبانی و مسائل علوم انسانی و رسیدن به وحدت نظری.</p>



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۶

دوره هفتم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۴



مؤمنی	فضای سیاسی نسبتاً آزاد، وجود تقاضا برای دستاوردهای علمی، وجود اعتماد میان بازیگران جامعه علمی، نظام کارآمد و بهنگام آمار و اطلاعات.
ذات‌صالحی	شکل‌گیری اجتماع علمی / شبکه‌های علمی، نظام انگیزش و پاداش مناسب، آزادی علمی، نقد و امنیت شغلی، گره خوردن علوم انسانی با فرهنگ، اقتصاد و سیاست، تعامل همه بازیگران و کنشگران اعم از استادان، بنگاه‌ها، دولت و...، رشد زیست‌بوم علم در کشور، آبخشور قوی فرهنگ اسلامی ایرانی به ویژه حکمت متعالیه.
دانایی فرد	پیوند بین کارگزاران و اندیشه‌ورزان، حرمت حریم علم و عالم از پلشتی‌های سیاست‌بازی، ارتقای روش‌شناسی‌های پژوهشی، تغییر جهت محتوایی و شکلی رساله‌ها، ارتقای کیفیت آموزشی در دانشگاه‌ها.
قانع‌ی راد	آموزش کیفی به دانشجویان، برخورداری از مشروعیت فرهنگی، ارتباط سازنده و تعاملی با دولت، تولید نظریه، مفهوم و دانش کیفی.
هادیان	استفاده از استادان برجسته برای تربیت نیروهای دارای ظرفیت لازم برای یادگیری، کاربردی کردن علوم انسانی، تمرکز در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بر توانایی تحلیلی و نقادی، کاهش تأثیرگذاری نیروهای خارج از دانشگاه
قبادی	خودآگاهی و اهتمام همه‌جانبه اصحاب علوم انسانی در بیان کارکرد این علوم و اثبات عملی آن، نهادسازی اصحاب علوم انسانی در بیان کارکرد این علوم و اثبات عملی آن، تلاش برای وضع قوانین و مقررات حامی علوم انسانی، انباشت تحلیل‌ها و اندوخته‌های علمی در این زمینه، کوشش مستمر، هدفمند و برنامه‌ریزی شده برای خروج از سیطره اتهامات مهندسی‌زدگی، اصلاح سیاست‌های کلان کشور، واگذاری مسئولیت‌ها و اختیارات به حوزه علوم انسانی، گسترش کرسی‌های نظریه‌پردازی، تأمین امنیت فکری و روانی نظریه‌پردازان علوم انسانی.
منصوری	تقویت زیرساخت‌ها از جمله دایره‌المعارف نویسی.
افروغ	تنقیح و روشن شدن تعریف ما از علم به‌ویژه علم انسانی، طرح جدی مباحث هستی‌شناسی علمی، بعد مباحث تاریخی و اجتماعی و سپس سیاست‌گذاری علمی، نظر بیشتر به مباحث معرفت‌شناسی، توجه به تفکر ناثویت‌گرایی صدرایی الهام‌گرفته از قرآن و رویکرد منظومه‌ای آن، تحول ساختاری و تغییر رابطه‌ها، آزادی و استقلال عمل دانشگاه‌ها درباره نیازسنجی رشته‌ها، قدرت رقابت و قدرت‌گزینش استاد و دانشجو، لزوم نظارت دولتی، نظام پاداش‌دهی برای محتوا نه برای فرم.
فراستخواه	استقلال دانشگاهی، آزادی علمی، وجود فرهنگ علمی به معنای حاشیه‌ای و تجملی نبودن علم در جامعه، مرجعیت علمی، یعنی علم مبنای اداره کشور باشد، حمایت دولت از بخش‌های غیردولتی، عدم انحصار کارهای علمی توسط دولت، تعاملات بین‌المللی.
باقری	وجود عزم و جرئت برای گشودن افق‌های اندیشه در عرصه علوم انسانی.
مجاهدی	رعایت اصول و آداب نقادانه و پرهیز از توجیه‌گرایی، رفع سوءفهم‌ها و سوءتفاهم‌ها از دانشگاه، اصلاح (نگرش) نظام سیاسی به دانش و فناوری و دانشگاه و دانشکده‌های علوم انسانی.

پیوست ۲. موانع رشد علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه خبرگان

آیت الهی	کندی و لختی فعالیت علمی بدهنده اصلی علوم انسانی، فقر جدی در نیازشناسی علوم انسانی، فقدان رابطه مناسب بین نیازها و تحقیقات و آموزش های علوم انسانی، ضعف خودباوری، محدود بودن تعامل فعال با غرب، عدم تناسب بین ارزش های اسلامی و علوم انسانی، توزیع و نشر نامناسب، ضعف شدید توزیع اندیشه های ایرانی - اسلامی.
گلشی	روشن نبودن اهمیت علوم انسانی در جامعه، تصمیم گیری برای علوم انسانی توسط مراجع ناوارد به این علوم، به کار نگرفتن اصحاب علوم انسانی در مواضع حساس و مشورت ها، کمتر بودن بازار کار برای فارغ التحصیلان علوم انسانی، تخصص گرایی افراطی و یک بعدی بودن فارغ التحصیلان دانشگاهی، مغفول بودن جایگاه علوم انسانی در کشور، اولویت جبران عقب ماندگی علمی فنی، پایین بودن متوسط سطح داوطلبان علوم انسانی به دلیل جو کاذب علمی، تحت الشعاع قرار گرفتن علوم انسانی به دلیل تفکر سکولار (حل همه مسائل با علوم طبیعی و مهندسی).
توفیقی	فاصله علوم انسانی موجود با استقلال نظری و فکری، کافی نبودن میزان مسئله محوری علوم انسانی در کشور و غلبه وجه نظری، سردرگمی علوم انسانی در مشخص کردن نسبت خود با مبانی اسلامی - ایرانی، فضای تک صدایی و فرداندیشی، برخورد حذفی با اندیشه های غربی، بی توجهی جامعه به تخصصی بودن علوم انسانی، ضعف در عملیاتی کردن نظریه های علوم انسانی در کشور.
مؤمنی	دوگانگی ساختاری تولید علم ناشی از ساختاررانی و توسعه نیافته اقتصاد سیاسی ایران، فقدان تقاضا برای یافته های علوم انسانی در نظام تصمیم گیری و تخصیص منابع، فقدان زیرساخت ها مانند نظام آمار و اطلاعات قابل اعتماد و بهنگام و فقدان آمادگی برای اصلاح و بهبود آن در نظام تصمیم گیری و تخصیص منابع.
احمدی	نبودن اتفاق نظر در مورد مبانی نظری علوم انسانی.
ذاکرحالهی	سیاست زدگی و روزمرگی و نگاه ابزاری به علم، عدم کاربست یافته های علمی، فعال شدن جریان های علم گریز و علم ستیز، استبداد ساختاری، ایستارهای شناختی ضد توسعه مانند فاتیسم و تقدیرگرایی، زهد منفی و...، بومی نشدن علوم انسانی، عدم مسئله محوری و کاربردی بودن علوم انسانی، عدم حرکت علوم انسانی به سمت میان رشته ای شدن، انتظارات متعارض و ناهمگون از علوم انسانی.
دانایی فرد	فقدان استادان برجسته در حوزه دکتری، غیرپرستی افراطی و دشمنی ورزی با دانش غیر، تخطئه علوم دیگر کشورها، ذبح آموزش توسط پژوهش.
قانعی راد	جوان بودن برخی از رشته های علوم انسانی در کشور، دخالت گسترده و نسنجیده بخش دولتی، کاهش پیوند علوم انسانی با دانش جهانی، بدبینی فرهنگی نسبت به علوم انسانی، کاربرد شاخص های علوم طبیعی و مهندسی، عدم تعامل علوم انسانی با بخش سیاست گذاری، عدم رعایت استقلال دانشگاه ها و آزادی های علمی برای پژوهشگران، کاهش مشروعیت و حمایت از توسعه علوم انسانی، افزایش تعداد دانشجویان در رده های تحصیلات تکمیلی و فقدان استادان باتجربه و باصلاحیت برای تدریس در دوره تحصیلات تکمیلی، کاهش سطح کیفیت دانش آموختگان تحصیلات تکمیلی، نامشخص بودن حد و مرز آموزش های نظری، رشته ای و کیفی با آموزش های حرفه ای و کاربردی و انتقال ترکیب سازمان نیافته غیرهدفمندی از این دو به دانشجویان.
هادیان	فقدان فهم مطلوب از علوم انسانی، کاربردی نبودن و ارتباط نداشتن با نیازهای جامعه، ایرادهای اساسی تدریس در دوره لیسانس و به ویژه تحصیلات تکمیلی، وجود نیروهای خارج از دانشگاه که خود را ذی حق و دارای صلاحیت برای دخالت در علوم انسانی می بینند، ضعف اساسی در انجام پژوهش.



<p>متهم کردن علوم انسانی به عنوان دانشی تجربی، بی باوری نسبت به کارآمدی علوم انسانی در حل مشکلات اجتماعی، کم آگاهی عمومی نسبت به ماهیت دانش علوم انسانی، کم آگاهی و عدم تفکیک میان فنون علوم انسانی با مفاهیم نظری آن، پایین بودن سطح اعتبارات حوزه علوم انسانی و حاکمیت مهندسی و علوم تجربی.</p>	<p>قبادی</p>
<p>تبدیل نشدن علوم انسانی به یک حرکت علمی.</p>	<p>منصوری</p>
<p>قرار گرفتن علوم انسانی تحت الشعاع علم ابزار (علوم دقیقه، فنی، مهندسی و پزشکی) و نداشتن جایگاه درخور به عنوان علم هدف، بی توجهی به مبادی متافیزیکال و نسبت علم با فرهنگ و تاریخ و جامعه، نگاه به علوم انسانی از زاویه فن زدگی و ابزارزدگی حاکم بر رشته های علمی، فنی، مهندسی و پزشکی به دلیل ذهنیت تکنیک زده حاکم بر سیاست های آموزش عالی به طور خواسته یا ناخواسته و مستقیم یا غیرمستقیم، فضای روانی سنگین، بازتولید وضعیت نامناسب علوم انسانی به رغم میل به دگرگونی به دلیل بی توجهی به ظرایف و دقایق مرتبط با علوم انسانی، فقدان جایگاه درخور علوم انسانی، نه به لحاظ نرم افزاری و نه به لحاظ بستری که می تواند باعث رشد علوم انسانی و بومی شود و بی توجهی به ایجاد بسترهای لازم، نگرش پوزیتیویستی جامعه شناسان علم دارای نفوذ در وزارت علوم و نداشتن درک عمیقی از مباحث فلسفی علم که موجب بی ارتباطی علم با نیازهای جامعه می شود، عدم رعایت موازین اخلاقی در نظام آموزش عالی، غلبه ابزارگرایی ها به جای توجه به اخلاق گرایی، معنویت، محتوا، هستی و جوهره معنایی، غلبه قالب ها در تمامی علوم، سیاسی و فرمالیته شدن فضا و توجه به مسائل نامربوط به انقلاب، قبیله گرایی و تبارگماری حاکم در آموزش عالی ما و وزارت افراد نا آشنا با این ظرایف، غلبه تمدن گرایی صوری و کاذب به قیمت فرصت سازی برای غارت بیت المال در کشور به نام فرهنگ و فرهنگ گرایی که دغدغه های اخلاقی را تحت الشعاع قرار می دهد، مانور شخصی برخی از افراد زیر پوسته جمهوری اسلامی معتمد مردم، بی توجهی به آزادی، فرهنگ و روشنفکری، علمی نبودن شاخص ها و اهمیت منافع شخصی در آن همراه با القائات سطح کلان سیاسی، فقدان جایگاه افراد متفکر سیستماتیک و کلان نگر در کشور، تقلیل نگرش تغییر به جابجایی افراد، آلودگی نظام پادشاهی ما در آموزش عالی.</p>	<p>افروغ</p>
<p>نامطلوب بودن وضعیت تولید علم در بخش علوم انسانی نسبت به سایر رشته ها، ناکارآمد بودن تحقیقات علوم انسانی کشور برای رفع نیازهای جامعه، عدم بهره برداری مؤثر از تحقیقات انجام شده، ضعف ابداع، نوآوری، خلاقیت و... در داده ها، فقدان جایگاه مناسب دانش تولید شده در مجموعه دانش جهانی، ضعف بخش غیردولتی در حوزه علوم انسانی و اجتماعی و عدم حمایت دولت از آن، انحصار و مداخله جویی دولت، ضعف همکاری های علمی بین المللی، مداخله های سیاسی در علم، هژمونیک شدن یک ایدئولوژی در علوم انسانی و اجتماعی، انزوای سیاسی جامعه در عرصه بین المللی و تنش های بین المللی، خودسانسوری، مهاجرت مغزها.</p>	<p>فراستخواه</p>
<p>سیاسی کردن بحث علوم انسانی، درک نادرست از رابطه دین با علوم انسانی، عدم امکان آزاداندیشی در دانشگاه، صورت گرایی و کمی نگرسی در پژوهش، انفعال در برابر نظریه های رایج.</p>	<p>باقری</p>
<p>ایدئولوژی زندگی، نوع انتظارات و تعریف ما از نهاد دانشگاه به ویژه دانشکده های علوم انسانی و نقش آنها، نگرش امنیتی و انتظامی به دانشگاه، تکنولوژی اندیشی درباره نحوه رشد علوم انسانی، فراهم نبودن امکان نقادی، نسبی اندیشی، خاص گرایی، فقدان رویکرد حل مسئله ای در مدیریت کلان و خرده نهاد های علمی.</p>	<p>مجاهدی</p>

